

مطالعه تطبیقی-تحلیلی نقوش و مضامین مشترک هنر قرون اولیه اسلامی و بیزانس

سید محمود میرعزیزی

عضو هیات علمی دانشگاه هنر شیراز، گروه موزه، شیراز، ایران.

Email: m_mirazizi@shirazartu.ac.ir

m.mirazizi59@ Gmail.com

تلفن: ۰۹۱۱۳۷۲۸۰۷۶

ابوالفضل صادقپور فیروزآباد

عضو هیات علمی دانشگاه هنر شیراز، گروه موزه، شیراز، ایران.

Email: a_sadeghpour@shirazartu.ac.ir

چکیده

در این پژوهش تأثیرات متقابل هنر قرون اولیه اسلام و هنر بیزانسی مورد مطالعه قرار گرفته، و ویژگی‌های هر کدام را با توجه به آثار آنها مورد بررسی قرار داده است. دوره زمانی مورد پژوهش شامل سده‌های نخستین هنر اسلامی می‌باشد. از آنجایی که هم هنر اسلامی و هنر بیزانس در ساحت هنرهای معنوی قرار می‌گیرند، وجه محتوایی آنها پُررنگ‌تر است، بنابراین در این تحقیق بیشتر به بررسی تأثیرات ماهیتی موضوع فوق، پرداخته می‌شود. همچنین در بررسی تأثیر و تأثرات نقوش و مضامین به کار رفته، بیشتر به هنر مناطقی از جغرافیای اسلام و بیزانس پرداخته شده است که بیشتر در مرز بین این دو تمدن و فرهنگ قرار دارند. یافته‌های پژوهش حاضر در موارد مختلفی همچون استفاده از هاله اطراف سر، تحرک در نقش حیوانات، ترسیم نقوش انتزاعی، چین و چروک پارچه‌ها و تقابل و تقارن؛ نشان دهنده تأثیرات متقابل نقوش و مضامین بکار رفته در هنر قرون اولیه اسلامی و بیزانس است. روش تحقیق نیز به صورت توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: هنر قرون اولیه اسلام، هنر بیزانس، نقوش و تزیینات، مضامین

مقدمه

آنچه امروزه به عنوان هنر اسلامی می‌شناسیم، در واقع به شکل آثار هنری، و از زمانهای گذشته بر جای مانده است. بنابراین قبل از هر چیز باید ماهیت اینگونه آثار و نوعیت و چگونگی شکل‌گیری آنها مطالعه شود. لذا بنیان هنر اسلامی را می‌توان برای اولین بار از حمله اعراب تازه مسلمان شده که در جهت گسترش دین اسلام سرزمین‌های دو امپراطوری ایران و بیزانس را فتح نمودند شهرها با داشتن کاخها، عبادتگاه‌هایی، هنرمندان و صنعتگران، همگی در اختیار مسلمانان قرار گرفتند و تمامی این صنایع را در راستای گسترش اسلام به کار گرفتند را ذکر نمود. در همین راستا خلفای اوایل اسلام ساختمان‌های موجود و اداره امور کشورهایی را که فتح کرده بودند را به همان حال قبلی حفظ و مورد استفاده قرار دادند، همچنین هنر اسلامی در اوایل شکل‌گیری برای گسترش نفوذ خود از منابع بسیاری مانند: هنر رومی، هنر اولیه مسیحی و هنر بیزانس، که در هنر و معماری اسلامی اولیه مؤثر بودند الهام گرفت. مسلمانان نیز در قلمرو روم بیزانسی کلیساها را تبدیل به مسجد کردند. هنری که در چنین شرایطی شکل گرفت عناصری از تمام پیشینه‌های هنری منطقه بخصوص هنر ایرانی و بیزانسی را در خود جذب کرده بود. این همان چیزی است که امروزه در آثار بجا مانده از آن دوران قابل مطالعه و بررسی است. علت انتخاب این موضوع جهت پژوهش حاضر و گستره آن می‌تواند به تجسم بازه گسترده تاثیرگذاری انواع نقوش و مضامین مشترک هنر قرون اولیه اسلامی و بیزانس بر یکدیگر و نمود بهتر این تاثیرگذاری باشد.

در مقاله حاضر ابتدا به شکل‌گیری هنر قرون اولیه اسلام در تعامل با هنر بیزانسی، نقوش و مضامین به کار رفته در هنر قرون اولیه اسلام و بیزانس و همچنین به عناصر مشترک در هنر قرون اولیه اسلامی و بیزانس و در انتها در جدول به مقایسه نقوش و مضامین گیاهی و نوشتاری به کار رفته در هنر قرون اولیه اسلام و بیزانس پرداخته خواهد شد.

سوالات پژوهش

- نقوش و مضامین مشترک به کار رفته در هنر قرون اولیه اسلام و بیزانس شامل چه نقوش و مضامینی هستند؟
- آیا نقوش و مضامین به کار رفته در هنر قرون اولیه اسلام و بیزانس از یکدیگر تأثیر پذیرفته‌اند؟
- دلایل تأثیرپذیری هنر قرون اولیه اسلام از هنر بیزانس کدامند؟

روش پژوهش

مقاله حاضر از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی و تاریخی با نگرش تطبیقی است. اطلاعات مورد نیاز آن به شیوه کتابخانه‌ای جمع آوری شده است. در انجام پژوهش فوق نمونه‌هایی که بیشترین تطابق و تعامل را دارند در مقام مقایسه قرار گرفته‌اند و جنبه‌های مختلف شباهت و دلایل تأثیرپذیری آنها با رویکردی کیفی بررسی شده است. رویکرد این پژوهش به لحاظ نقوش و مضامین، هر دو دوره فوق را مد نظر قرار داده و به تحلیل و توصیف، پرداخته است.

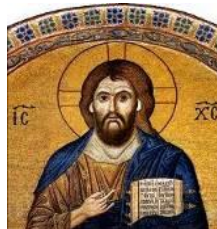
پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع فوق پژوهش‌های انجام گرفته ولی پژوهش‌هایی که مستقیم به مبحث مقاله حاضر بپردازد اندک است. اکثر پژوهش‌ها به مقایسه هنر و معماری دوره ساسانی با بیزانس پرداخته‌اند. سیدمحمد فدوی در مقاله «هنر تصویرسازی در قرون اولیه اسلام»، که در نشریه باغ نظر (۱۳۸۸) تلاش کرده در خصوص سیر تحول هنر تصویرسازی در قرون اولیه اسلام و علل افت و خیز آن در آن دوره بیان شود. همچنین می‌توان به پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تصویرسازی با عنوان «بررسی تأثیر متقابل تصویرسازی صدر اسلام و بیزانس» نوشته ابوذر ناصحی با راهنمایی محمد فدوی، دانشکده هنرهای زیبا (۱۳۸۵) را اشاره نمود که در این پژوهش نویسنده ابتدا ضمن بررسی پیشینه تاریخی هنر اسلامی و بیزانس؛ به بررسی هنر دینی و زیبایی‌شناسی در آیین‌های اسلامی و مسیحی و نیز به محتوای هنر اسلامی و هنر مسیحی توجه می‌نماید. در پایان به بررسی وجوه اشتراک هنر اسلامی و بیزانسی اشاره می‌شود. از پژوهش‌های دیگر می‌توان به مقاله «تأثیر هنر معماری بیزانس و ساسانی بر معماری دوره اموی» نوشته حسین تولایی سال ۱۳۸۶ اشاره کرد که پژوهشگر در این پژوهش معتقد است که بیشترین تأثیرات هنر بیزانس و ساسانی در زمینه تزیینات بکار رفته در بناهای مذهبی و غیرمذهبی می‌باشد. پژوهش دیگر در این زمینه مقاله «بنیان‌هایی برای شناخت و تفسیر هنر بیزانس (اصول و مبانی)» نوشته علیرضا نوروزی طلب، نشریه باغ نظر (۱۳۸۴) اشاره کرد که نویسنده در این مقاله ضمن بیان ویژگی‌های هنر دینی مسیحی بیزانس، کتاب مقدس را راهنمای فهم و تفسیر زندگی مسیح و هنر مسیحی می‌داند.

شکل‌گیری هنر قرون اولیه اسلام در تعامل با هنر بیزانسی

هنگامی که امپراطوری بیزانس و ایران توسط مسلمانان فتح گردید و متعاقب آن طبق نیازهای جامعه اسلامی آن زمان، هنر اسلامی ریشه دوانید، که الزاماً آنان از تجربیات و سنت‌های هنری آن مناطق نیز بهره‌برداری کردند. بنابراین طبیعی است که مظاهر هنری آنها در هنر تازه متولد شده هنر اسلامی تأثیر گذارد. (رید، ۱۳۸۱، ۹۳) لذا پرهیز از بازنمایی موجودات زنده و تثبیت قرآن در مقام ارجمندترین منبع معارف اسلامی، از مهمترین عناصری بودند که در اوایل شکل‌گیری هنر اسلامی بسیار موثر واقع شدند. (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۸۳، ۹) در همین راستا ابن عربی در کتاب فتوحات مکیه احترام مسیحیان به شمایل مقدس می‌نویسد: «مردم بیزانس هنر نقاشی را به کمال خود رسانیدند، زیرا برای آنها طبیعت فرد حضرت عیسی (ع) چنانکه در تصویر او بیان شده است، بهترین کمک به مشاهده وحدانیت حق است.» (تصویر ۱) (تاج‌دینی، ۱۳۷۲، ۶۹-۷۰) همچنین گاستون وایه^۱ در مقدمه کتاب هنر اسلامی یادآور می‌شود که «هنر اسلامی از تکنیکها و تم‌هایی به وجود آمد، که از کشورهای تسخیر شده اخذ شده بود. اسلام مصالحه‌ای میان هنر ایران، بیزانس و مصر به وجود آورد که در هنر تزیینی قبطی نیز وجود داشت.» (وایه، ۱۳۶۳، ۲) همچنین ابوشکور سالمی در قرن ۵هـ.ق اشاره می‌کند: «اولین سالهای الحاق ایران به سرزمین‌های اسلامی و گرویدن ایرانیان به دین مبین اسلام، تمامی تجربیات و سنتهای باستانی در خدمت آئین نو درآمده و با آمیختن با فرهنگ‌های ملل دیگر پایه هنر اسلامی پی‌ریزی شد.» در مناطقی از جغرافیای اسلام که در تصرف بیزانس بود، تمدن و هنر

اسلامی تا حدودی رنگ هنر بیزانسی به خود گرفت، اما در سرزمین‌های دیگر تأثیرپذیری هنر اسلامی بیشتر صبغه ایرانی با خود داشت. (فدوی، ۱۳۸۸، ۷۳) با گسترش فتوحات مسلمین در سوریه، مصر و فلسطین، آنها با تجربیات و ظرفیتهای هنری آن مناطق که قبلاً تحت حاکمیت دولت بیزانس بودند، آشنا شدند. پس از آن پایتخت مسلمانان به دمشق منتقل شد و در همانجا نیز بود که برای اولین بار هنر اسلامی با تأثیرپذیری از هنر غربی شکل گرفت. (مددپور، ۱۳۷۴، ۱۲۹) از سویی نیز، جریان شمایل‌شکنی در هنر بیزانس که همزمان با قرون اولیه اسلام است، مناسبات بین جهان اسلام و بیزانس را آسان نمود، که این واقعه، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هنر مسیحی و هنر اسلامی را به همراه داشت. (ناصری، ۱۳۸۵)



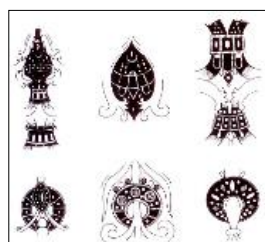
تصویر ۱. شمایل حضرت مسیح (ع) با هاله سر و علامت صلیب (Bank, 1977, 181)

نقوش و مضامین به کار رفته در هنر قرون اولیه اسلام و بیزانس

با گذشت زمان و در ضمن روابطی که بین فرهنگ‌های ملل مختلف وجود داشته است، نقوش دچار تغییر و تحولات شده‌اند. تعالیم پیامبر اکرم (ص) که مبتنی بر ساده‌زیستی بود، با حاکمیت کامل امویان در سال ۴۰ ه.ق به مرور کم‌رنگ شد. لذا با بکارگیری هنرمندان و معماران بیزانسی، ایرانی و مصری در ساخت کاخها و قصرها و استفاده فراوان از نقوش تزئینی، نقاشی دیواری و تصویرسازی‌های موضوعی، سیر تکاملی هنر اسلامی را تحت تأثیر خود قرار داد. (فدوی، ۱۳۸۳، ۱۴۶) امویان آزادانه سُنن هنری رایج بیزانسی و ساسانیان را مورد استفاده قرار داده، و از آنها اقتباس نمودند و متناسب با اهداف شخصی‌شان، بدون هیچگونه ممنوعیتی، تغییر شکلشان دادند. (لبون، ۱۳۱۳، ۶۹۸) از طرفی کهنترین اثر بجا مانده اسلامی، یعنی قبه-الصخره^۲ که نمونه معماری بکار گرفته شده در آن کاملاً متفاوت بوده، و قوالب معماری نیز حاکی از اهداف اولیه بنا نیست، بلکه نقوش و تزئین کاربردی آن بیان‌کننده این نیات است، که این اهداف با گذشت زمان یا به سادگی فراموش شدند و یا این که مستحیل گشتند. (هوگ و مارتن، ۱۳۷۵، ۷۲) در واقع، بنا و تزئینات این ساختمان ملهم از مدل‌های مسیحیت پیشین و بیزانسی می‌باشد. (تصویر ۲) و موزاییک‌هایی در درون دیواره استوانه‌ای تکیه‌گاه گنبد قبه‌الصخره، را تزئین می‌نمایند، که اینها عبارتند از تصویر تاک استلیزه و گوهرنشان‌های بیزانسی و ساسانی. (تصویر ۳ و ۴) اگر با نظری کلی بنگریم قبه‌الصخره نمایشگر جایگاه برخورد هنر بیزانسی و هنر نوپای اسلامی است.



تصویر ۲. نمای درونی از قبه الصخره



تصویر ۳. نقوش تزئینی، نشان ها و گوهرهای نگاشته شده در موزائیکهای قبه الصخره (بورکهارت، ۱۳۶۵، ۲۷)



تصویر ۴. تزئینات پانل ها و گلدانهای استیلز شده بیزانسی (Grabar, 1996: 83)

در زمان عبدالملک مروان^۳ و در سکه های ضرب شده، از طرح و وزن سکه های بیزانسی الگوبرداری می کردند. در این سکه ها طرح لباسها به عربی، علامت حذف شده صلیب و نوشته ای اسلامی که در اطراف سکه حک شده بود. بعداً همین طرحها کنار گذاشته شده و به جای آن دعاهایی مرکز سکه و اطراف آن را پر می کرد. (ناصحی، ۱۳۸۵، ۱۵۴) (تصویر ۵)



تصویر ۵ راست. سکه های بیزانسی با کتیبه اسلامی / چپ: سکه های عرب- ساسانی با نقش صلیب، امویان (Durand, 1999, 64)

سرستون‌ها و پوشش‌های مرمرین مسجد جامع دمشق در زمان امویان نوع بیزانسی است که این طرحها بیشتر طبیعت گرا و کمتر تصویری بوده و تصور می‌رود که موزاییک‌ها بیشتر مدیون قسطنطنیه باشد تا قبه الصخره. (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۸۳، ۳۳) همچنین موزاییک‌های بکار رفته در این بنا بدست متخصصین بیزانسی ساخته شده که برای تزئین دیوارها بکار می‌رفت. (تصویر ۶)



تصویر ۶. تزئین موزاییک به سبک بیزانسی در دیوار غربی مسجد جامع دمشق (Hillenbrand, 1999, 36)

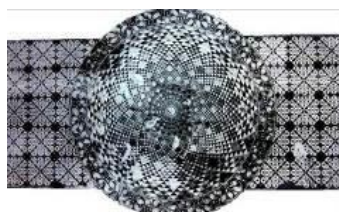
در زمینه سبک کاخ‌هایی که توسط امویان در سوریه ساخته شده ترکیبی از هنر ایرانی و بیزانسی می‌باشد. (بورکهارت، ۱۳۶۵، ۴۹) قدیمی‌ترین اثر تصویرسازی شده که تاکنون در سوریه پیدا شده، از کاخ قصیر عمره کشف شده است. این کاخ، از نمونه‌های معماری غیرمذهبی امویان است که با نقاشی‌های دیواری شناخته شده است. در این کاخ، نگاره‌هایی با شیوه‌های برگرفته و ترکیب یافته از هنر سرزمین‌های فتح شده مانند ایران و بیزانس نمایان شده است. سقف و دیوارهای این کاخ با اشکال و تصاویر مجازی در مناظر زندگی روزانه و اشکال حیوانات و نباتات با اسلوب بیزانسی و یونانی ترسیم شده است. بیشتر نقاشی‌های آن مربوط به افسانه‌های قدیم یونان و بیزانس و صحنه‌های شکار و سوار زبانه آن متعلق به دوره ساسانی ایران می‌باشد. (گدار، ۱۳۷۷، ۳۵۴) (تصویر ۷) نقاشی‌های کاخ عمره نخستین بار توسط «دالتون»^۴ و «دیل»^۵ به عنوان مجموعه‌های هنری بیزانس شناخته شدند. (گرابار، ۱۳۷۹، ۱۵۹) در مجموعه نقاشی‌های دیگری که بر دیوارهای تالار کاخ عمره رسم شده است، صحنه شاه خلیفه، رودریک، قیصر، کسری، نجاشی و امپراطور چین (ایستاده از رو به رو که تمامی حالات بدنی (اصل تمام رخ‌نمایی) و شیوه پوشش، تاج و سربندهای آنها و حتی بیشتر جزئیات نقش شده بروی پوشش آنها و... آشکارا نمایان است. از ۶ نفر یک لباس‌های فاخر بر تن دارند و در دو ردیف روبه روی هم ایستاده‌اند و دست‌هایشان به طرف جلو است، روش بیزانسی و ساسانی در نقش این شکل‌ها پیداست، روش ایستادن اشخاص، تزئینات لباس‌ها و علامت صلیب در حاشیه پایینی یک روش بیزانسی و حالت دست‌ها به نشانه فروتنی ساسانیان تعبیر شده است. (تصویر ۷) (بهرامی و حاجی‌زاده باستانی، ۱۳۹۳، ۱۲۳) این اصول رسم در کاخ عمره، تأثیرات کلاسیک روی آن را به ما نشان می‌دهد، که این تأثیرات از آثار دوره رومی و بیزانسی باقی مانده و با مفهوم هنر عربی منسجم گشته است. (البهنسی، ۱۳۸۵، ۳۳)



تصویر ۷. راست: نقاشی دیواری شش پادشاه کاخ عمره (بهرامی و حاجی‌زاده باستانی، ۱۳۹۳، ۱۲۳)

تصویر ۷. چپ: دیوارنگاره‌های کاخ عمره، اموی (Grabar, 1996, 27)

خرابه المفجر از دیگر کاخ‌های اموی می‌باشد که در نزدیک شهر اریحا قرار داد. این قصر و حمام دارای تزیینات موزاییکی سالم با اشکال هندسی و غیر هندسی است. موزاییک یکی از شاه نشین‌های آن از یک درخت مرکزی تشکیل یافته است، یک طرف این درخت دو آهو و در طرف دیگر شیری به شکار آهو رفته است. (تصویر ۸) (اکبری و کاشانی، ۱۳۸۸) اهمیت این قصر به خاطر کفپوش‌های موزائیک و تزیینات گچبری آن است. (تصویر ۱۰) موزاییک‌های این کاخ شبیه موزاییک‌های دمشق است، مبدأ آن کفپوش‌های دوران بیزانس در انطاکیه است، و حتی بیشتر از آنهایی که در کاخ امپراطوران بیزانس در قسطنطنیه وجود دارد. (تصویر ۹) به احتمال بسیار زیاد گچبری‌های آن بدست افراد محلی که از گنجینه هلنی و خزانه ساسانی هر دو سود جسته‌اند انجام گرفته است. همچنین اسلیمی‌های پیچان را در بناهای اموی، در کاخ خرابه‌المفجر و از آن بهتر در مسجد جامع دمشق می‌بینیم که در مشبک‌کاری‌های محافظ پنجره‌ها نمودار شده است، که به گفته بعضی مورخان هنری پیچاپیچی نقش‌های اسلامی برگرفته از نقش موزاییک‌های بیزانسی و رومی است که در زمان امویان رایج بود. (تصویر ۱۱) (ناصری، ۱۳۸۵، ۶۲)



تصویر ۸. موزاییک از خرابه المفجر (Reichmuth, 1953, 11)

تصویر ۹. کف پوش خرابه المفجر (Reichmuth, 1953, 12)



تصویر ۱۰. اسب بالدار، خربه المفجر (بورکهارت، ۱۳۶۵، ۲۸)

تصویر ۱۱. تزیینات گچبری های کاخ خربه المفجر (Reichmuth, 1953, 8)

فرم گیاهی را شاید بتوان تنها عنصری برشمرد که از هنر طبیعت گرایانه هلنی در هنر اسلامی تأثیر گذاشته، معهذاً، این فرم‌ها به سرعت مستحیل شده و خصلتی انتزاعی می‌یابد. تفاوت تنها در کاربرد این نقوش بوده است که در هنر اسلامی بصورت ساده بوده ولی در هنر بیزانسی تزیینات حیوانی نیز مکمل تزیینات گیاهی می‌گردد. (تصویر ۱۲) (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۸۳، ۶) ساختار کلی این ترکیبات عموماً در هماهنگی اجزا با یک دیگر و یا با کادر یا مکانی که در آن قرار می‌گرفته‌اند، بوده بطوریکه فرم‌های گیاهی در حالتی از تعادل با اجزای حیوانی رسم می‌شده است، که نشان از تفکر و شناخت خالقان آنها با اصول زیبایی شناسانه دارد. (طاهری، ۱۳۹۲، ۵۱)



تصویر ۱۲. لته چوبی به شیوه امویان، قرن ۷ ه. ق. موزه عرب، قاهره (وایه، ۱۳۶۳، ۳۵)

از نظر هامیلتون^۶ ورودی حمام این قصر دقیقاً کپی قوس طاق بستان است. باتوجه به اینکه نقوش ساسانی در این بنا مشهود است می‌توان نتیجه گرفت؛ معمار ایوان حمام خربه المفجر با نوع مرسوم ورودیهای بناهای ساسانی آشنا بوده به طوریکه قوس مرکزی نما - که ویژگی ساسانی بود - را بر روی گنبد و گنبد را بر روی طبل استوانه‌ای - ویژگی بیزانس - استوار کرده است. بهترین مکان جهت آغاز بررسی تکامل تزیینات در اولین مرحله از هنر اسلامی، نمای خارجی قصر المشاطه (المشتی) است. هلیلن برنلد^۷ در تجزیه و تحلیل این قصر از سالن‌های منحصر آن بعنوان شاخص نفوذ ساسانی و تأکید بر تزئین به جای گسترش حیاط در امتداد یک محور واحد یاد می‌کند. تزیینات نمای اصلی دیوار سمت چپ دروازه کاخ المشاطه، به صورت نقوش حیوانات و جانوران تخیلی همچون اژدها و اسب بالدار (اسفنگس) در بین نباتات و ساقه‌های مو یا دایره‌وار با تأثیر از هنر بیزانس، ساسانی ایران و هلنیستی، به دنبال هم حجاری شده است. (تصویر ۱۳)



تصویر ۱۳. بخشی از نمای اصلی کاخ المشاطه با آرایش‌های سه گوشه، موزه برلین (بوركهارت، ۱۳۶۵، ۳۰)

در زمینه تصویرسازی کتب خطی قرون اولیه اسلامی، که به وسیله نقاشان مکتب بغداد عباسی مصور شده، کتاب مقامات حریری است. که در تصاویر آن نسخه تأثیر شدید اسلوب بیزانسی و مسیحیت پیداست و بعضی از صور اشخاص در این نسخه مستقیم از صور قدیس‌های نسخ خطی مسیحی الهام گرفته شده است. صورت‌های دراز و کشیده، شباهت زیادی به قدیسین مسیحی و نقوش و جزئیات، از موزائیک سازی و نقاشی‌های دیواری بیزانس الگوبرداری شده است. همچنین در این نسخه تأثیر بیزانس را در هاله دور سر می‌توان مشاهده نمود. (تصویر ۱۴) (رایس، ۱۳۸۳، ۱۲۰) در این کتاب رنگ‌ها به خوبی پراکنده شده‌اند که یادآور صحنه‌های کتاب مقدس مسیحیان و از نفوذ و تأثیر هنر بیزانسی بر هنر مسلمانان است. به رغم تأثیرات هنر بیزانسی، هنرمند مسلمان از عناصر دینی خود نیز بهره برده است، از جمله لباس‌ها و عمامه‌های پیکره‌ها که عربی است و طاقی که بالای سر افراد قرار دارد و دارای نقوش گیاهی اسلیمی است.



تصویر ۱۴. تصاویری از نسخه خطی مقامات حریری (رایس، ۱۳۸۳: ۱۲۰)

در تصویرسازی کتاب الاغانی تصاویری از الهه‌های مختلف وجود دارد و دارای سرهای بزرگ بوده که متأثر هنر بیزانس می‌باشد. شاید در میان نسخه‌های دست نویسی که فرستادگان مأمون از بیزانس به بغداد آوردند، نیز نسخه‌هایی از دست نوشته‌های دیوسکوریدوس^۸ وجود داشته که تصاویر اصلی آن در نسخه ترجمه شده به عربی، باقی مانده است. از ویژگی‌های این نسخه می‌توان به اشخاص با جامه عربی بر تن، پس زمینه با رنگ طلایی و کلاه‌های مخروطی، که در بیزانس رایج بوده و بر سر می‌گذاشتند را نام برد، که همه تقلیدی از هنر تصویرسازی بیزانسی است. ملاحظه دقیق شیوه ترسیم جامه‌ها در هر دو تابلو آمیزه‌ای از اسلوب مکتب بغداد و مکتب بیزانسی را، به ویژه در ارائه چین و شکن‌های لباس‌ها و عمامه‌ها و کلاه‌ها نشان می‌دهد. (تصویر ۱۵ راست) همچنین نگارگران در تصویرگری سیره پیامبر (ص)، مثلاً در نسخه آثار الباقیه بیرونی، بیشتر از شیوه

بیزانسی پیروی کرده‌اند، مانند تابلوی بشارت که برابر با اسلوب کلیسای شرقی در مصور ساختن این واقعه است، آنجا که جبرئیل بر مریم عذرا پدیدار می‌گردد. (البهنسی، ۱۳۸۵، ۳۲۲) (تصویر ۱۵ چپ)



تصویر ۱۵. تصویر راست: برگه از ترجمه نسخه ماتریامدیکای دیوسکوریدوس، گالری فریر / چپ: تابلوی بشارت، کتابخانه ملی پاریس

عناصر مشترک در هنر قرون اولیه اسلامی و بیزانس

الف) عدم گرایش به شمایل نگاری در اسلام و شمایل پرستی و شمایل شکنی در مسیحیت

بورکهارت^۹ در کتاب هنر اسلامی در مورد عدم شمایل نگاری در اسلام می‌نویسد: "دیوارهای داخلی کعبه با نقاشی‌هایی که یک هنرمند بیزانسی، به دستور متولیان مشرک کعبه، رسم کرده بود، تزیین یافته بود. آنها صحنه‌هایی از زندگی حضرت ابراهیم و برخی از آداب و رسوم مشرکان را نشان می‌دادند. هم‌چنین تصویری از حضرت مریم و فرزندش عیسی (ع) دیده می‌شد. در حالیکه حضرت محمد این شمایل حضرت مریم را با دو دست محکم نگهداشته بود، دستور داد تا همه پیکره‌های دیگر نابود شود. شمایل حضرت مریم بعداً در یکی از آتش‌سوزی کعبه ویران شده و این حکایت نمایشگر معنا و مفهوم آن چیزی است که به غلط «شمایل شکنی اسلامی» نامیده می‌شود و بهتر است آن را عدم گرایش به شمایل نگاری بنامیم. (بورکهارت، ۱۳۶۵) هنر تصویری می‌تواند به خوبی در جهان بینی اسلامی تلفیق شود، به شرطی که حدود صحیح خود را فراموش نکند. این تحریم دارای دو جنبه است: اول تکفیر قرآنی از هرگونه تصویری بت پرستی است که از دیدگاه عمومی اسلامی شامل ساختن هرگونه تصویری از خداوند است از آنجا که ذات الوهیت مافوق هر نوع توصیف شرح است حتی به صورت کلمات و الفاظ از جانب دیگر حدیث نبوی می‌فرماید که تقلید از خلقت خالق به صورت موجودات زنده و مخصوصاً تصویر انسان مخالف ادب و حتی کفرآمیز است. (وایه، ۱۳۶۳، ۳۱) منع و تحریم شمایل نگاری در اسلام به معنی دقیق کلمه فقط در مورد تصویر ذات الهی صدق می‌کند. هنر شمایل نگاری بیزانسی با وجود آنکه هنری مقدس و در خدمت کلیسا محسوب می‌گردد و بیشترین پیوند را با جریئات حاکم بر دین مسیحیت و به ویژه اساسی‌ترین آنها یعنی تجسد کلمه دارد، همواره در معرض تحولات سبک شناختی بوده است و بسیاری از این تحولات آشکارا ریشه در تغییرات سیاسی- اجتماعی جامعه بیزانسی داشته است. (آیت‌اللهی و بهشتی، ۱۳۹۰، ۴۷) مهمترین اتفاق در طول این دوران، جنبش شمایل شکنان بود. که بین سالهای ۷۲۶م. تا ۸۴۳م. رخ داد و بر هنر بیزانس تاثیر زیادی گذاشت. (توین بی، ۱۳۹۴، ۴۷۸) لویی سوم

رسم استفاده از تصاویر قدیسین را در هنر ممنوع اعلام کرد. بسیاری از آثار هنری و دینی سوزانده شد و از بین رفت. (پاکباز، ۱۳۸۶، ۳۳) در چنین شرایطی هنر بیزانس راههای دیگری برای ادامه حیات خویش در پیش گرفت، و توجه خود را به هنر غیر شمایی و نمادین معطوف داشت. (دهقانی و مهرپویا، ۱۳۹۱، ۶۱) در پاسخ به شمایل‌شکنی بیزانسی که کم و بیش تحت نفوذ اسلامی قرار داشت، چنین می‌شود استنباط نمود، که خدای تعالی در حد ذات در وصف نمی‌گنجد. لکن چون کلمه الله در طبیعت انسانی، یعنی عیسی مسیح، ظاهر شد، پس از سوی او به صورت اصلی‌اش بازگردانیده شد و با حسن الهی در آن نفوذ کرد. هنر با نمایش صورت انسانی عیسی این تجسم را یادآوری می‌کند. شکی نیست که میان این دیدگاه و دیدگاه اسلامی، اختلافی فاحش وجود دارد. لکن در هر صورت، دیدگاه این دو، بالاتفاق مبتنی بر این حقیقت است که انسان دارای صورت الهی است. (بورکهارت، ۱۳۷۶، ۵۹) چون اندیشه مسیحی که به رستگاری و نجات نوع بشر به دست منجی نظر دارد، مقتضی هنری تصویری بوده است. بنابراین، مسیحیت نتوانست از میراث هنری یونان و رم صرف نظر کند. (ناصحی، ۱۳۸۵)

ب) کاربرد نقوش گیاهی، اسلیمی و نقوش تزئینی دیگر

وجود نظامی هندسی و سامان یافته در زیر بنای کلیه آثار هنر اسلامی برمی‌خوریم، وجود تناسبات طلایی، مارپیچ طلایی و نظم هندسی در آنها یکی از عوامل مهمی است که در زیبایی و پایداری آنها نقش بسزایی دارد. نقش تعالیم اسلام از جمله ممنوعیت تصاویر عینی و مجسمه خود باعث تجرید و استلیزه شدن نقوش طبیعی می‌گردد و خود یکی از عوامل مهم در ظهور نقوش اسلیمی می‌شود و هنرمندان از طبیعتی که گل و برگ و گیاهش در هر پائیز از بین می‌رود باغ بهشتی را تصویر کردند و باغی ساختند که همیشه جاودان بماند. ترکیب نقوش در هنر اسلامی عبارت بود از پر کردن مطلق سطوح. متعاقب این امر، نقوش بزرگ با افزایش تقسیمات داخلی به نقشهای کوچک‌تری تقسیم شدند و به این ترتیب امکانات بیشتری جهت ترکیب و اتصال با نگاره‌های دیگر فراهم آوردند. تجزیه داخلی نقش‌ها، شکلی پرکارتر به موتیف‌ها بخشیده، به نوعی ریز نقشی انجامید. (شریف‌پور سویری و بهمنی، ۱۳۹۲، ۴) فرم گیاهی را شاید بتوان تنها عنصری برشمرد که از هنر طبیعت گرایانه هلنی در هنر اسلامی تأثیر گذاشته، معه‌ذا، این فرمها به سرعت مستحیل شده و خصلتی انتزاعی می‌یابد. برگ بزرگ کنگر به راحتی ساده شده و شکل بسیار مناسبی برای پر کردن جاهای خالی گردید. کاربرد تاک با شاخه‌های پر پیچ و تاب که بر آثار هنری باستانی و مسیحی نقش می‌شد، رفته رفته در کاخهای بنی‌امیه از جمله الحیر و المشاطه به زیبایی فوق العاده‌ای رسید. تفاوت تنها در کاربرد این نقوش بوده است که در هنر اسلامی به صورت ساده بوده ولی در هنر مسیحیت تزئینات حیوانی نیز مکمل تزئینات گیاهی می‌گردد. (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۸۳، ۶)

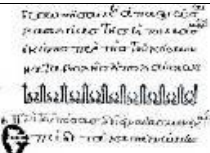
ج) هنر تصویرسازی اسلام و بیزانس

ارزش تمثیلی و رمزی یک تصویر فی نفسه برای مسلمانان عارف و متفکر غیرقابل فهم نیست، گرچه با پیروی از شریعت قرآن آنان همواره به کاربردن تصاویر مذهبی را طرد کرده و بنابراین تنزیه را بر تشبیه ترجیح می‌دهند. از لحاظی می‌توان گفت جنبه اول تنزیه و تعالی خداوند باشد حتی خصلت انسان را به عنوان مرآت صفات و اسماء الهی در خود جذب

می‌کند و در واقع هفت صفت کلی که صورت الهی آدم را تشکیل می‌دهد یعنی حیات، علم، اراده، قدرت، سمع و بصر کلام بیرون از هر نوع تجلی بصری است. یک تصویر نه حیات دارد و نه قدرت و نه هیچ چیز دیگر از این صفات. (نصر، ۱۳۷۵، ۴۱) هنر اسلامی با حذف هرگونه تصویر بشری، اقلأ در قلمرو دین، هنر اسلامی به انسان کمک می‌کند تا کاملاً خودش باشد به جای اینکه روح خود را به خارج از خود افکند و انسان در مرکز وجودی خود باقی می‌ماند، آنجا که او در عین حال خلیفه و عبد خداوند است. (تاجدینی، ۱۳۷۲، ۶۹) هنر تصویرسازی بیزانس متعلق به عالم مسیحیت است. عالم مسیحی دارای خصوصیتی است که در کل آثار هنری متعلق به عصر مسیحیت منعکس می‌شود. هر نوع تفسیر و نقد و بررسی آثار هنری تصویرسازی عصر بیزانس بر اساس شناخت عالمی که به آن تعلق دارد، میسر است. مرکز عالم مسیحیت کتاب مقدس و کلام الهی است. فهم و تفسیر هنر تصویرسازی بیزانس مبتنی بر درک عمیق از عالم مسیحیت است. حضور امر مقدس در تصویر و تفسیر تصویر برای رجوع به امر مقدس درون‌مایه هنر تصویرسازی بیزانس است. (نوروزی طلب، ۱۳۸۴، ۷۲) عناصر دینی در مسیحیت مشابه عناصر دینی غیر مسیحی بود خصوصاً در وجه بیرونی عبادت که گواه آن هنرهای تزئینی (تصویرسازی) است. (کالا ماکیس، ۱۳۸۵، ۲۴۶) مقایسه بین دیدگاه اسلام و مسیحیت درباره به تصویر کشیدن انسان این مطلب را به روشنی نشان می‌دهد که هر دو به یک اساس مشترک اشاره می‌کنند، که آن صورت انسانی به عنوان تجلی-گاه اسماء و صفات الهی است. (ناصری، ۱۳۸۵، ۱۵۴)

در ادامه جهت بهتر روشن شدن تاثیر گذاری و تاثیرپذیری هنر قرون اولیه اسلام و بیزانس به مقایسه نقوش و مضامین گیاهی و نوشتاری به کار رفته در هنرهای گوناگون دوران ذکر شده خواهیم پرداخت:

جدول شماره ۱. مقایسه نقوش و مضامین گیاهی و نوشتاری به کار رفته در هنر قرون اولیه اسلام و بیزانس (نگارندگان، ۱۳۹۷)

موضوع	نقش	مضمون	قرون اولیه اسلامی	بیزانس	وجه مشترک
گیاهی	نقش گیاهی	نقش گیاهی			نقوش گیاهی در هنر بیزانسی و اسلامی اکثراً به صورت اسلیمی، تجریدی، درخت مو(تاک) و ... قابل مشاهده است.
	نقوش تجریدی و گیاهی	نقوش تجریدی و گیاهی			تشابه نقوش گیاهی و تجریدی در تزیینات معماری بیزانس و اسلام بیشترین اهمیت را داشته است. در هر دو دوره نقوش کاملاً پرداخت شده و به جزئیات اهمیت داده می شده همچنین در فضاهای مذهبی و غیر مذهبی از این نقوش مورد اسفاده قرار می گرفت.
درخت زندگی	درخت زندگی	درخت زندگی			درخت زندگی با تصاویر انسانی و حیوانی که روبروی هم قرار دارند، این نوع نقشاها از هنر گذشته الهام می گرفت و نوعی ریشه در اساطیر داشت.
نوشتاری و کتیبه نگاری	نوشتاری و کتیبه نگاری	نوشتاری و کتیبه نگاری			ابتدا از طرح و وزن سکه های بیزانسی الگو برداری می کردند. در این سکه ها طرح لباسها به عربی، علامت حذف شده صلیب و نوشته های اسلامی که در طرف سکه حک شده بود.
	نوشتاری و کتیبه نگاری	نوشتاری و کتیبه نگاری			جعبه جواهرات با نوارهای تزیینی بصورت شبه اسکرپ، دسته ای از کشیشان مسیحی، اسلیمی های پیچان با ترکیب حیواناتی مثل مار و نقوش حیوانی تکرار شونده در حال فرار و همچنین شبه اسکرپ خط کوفی در نوشته بیزانسی قرن ۱۲م نشان داده شده است.

جدول شماره ۲. مقایسه نقوش و مضامین حیوانی و هندسی به کار رفته در هنر قرون اولیه اسلام و بیزانس (نگارندگان، ۱۳۹۷)

موضوع	نقش	مضمون	قرون اولیه اسلامی	بیزانس	وجوه مشترک
حیوانی		حیوانی			نقش طاووس روی هم را در قرون اولیه اسلام و بیزانس نشان داده شده است که در هر دو تصویر طاووس به صورت نیم رخ می باشد. طاووس به عنوان نماد حیات و زندگی در هنرهای مختلف به شمار می رود.
			قاب با نقش طاووس های روی روی هم، مصر، سده ۴ ه.ق موزه هنرهای اسلامی قاهره (cassous,1997, 203)	نقش برجسته مرمر طاووس های روی روی هم، قرن ۴ م، موزه ازبیک ترکیه (Berti, 2000)	
					حیوانات اساطیری که به صورتهای ترکیبی اسفنگس یا گریفین و یا به صورت موجودات آرمانی تجلی می یابند، ریشه در هنر گذشته دارند. و اغلب به صورت شیردال و ... می باشند.
			اسب بالدار، خربه المفجر (بورکهارت، ۱۳۶۵)	پانل با گریفین، ۵ ه.ق، روم شرقی و یونان یا منطقه بالکان، سنگ مرمر (بورکهارت، ۱۳۶۵، ۲۸)	
حیوانی		حیوانات در حال شکار			تصاویر نشان دهنده تأثیرات هنر گذشته (هخامنشی) و استمرار آن در دوره های بعدی می باشد. در این دو نقش برجسته تلاش شده است گونه های حیوانات (شیر و گاو) و همچنین بازنمایی نسبی طبیعت به خوبی نشان داده شود.
			نقش برجسته بر روی سنگ شیر در حال حمله به گاو (هاتستین و دیگران، ۱۳۸۹، ۵۵)	نقش برجسته بر روی سنگ شیر در حال حمله به غزال (Durand, 1999,109)	
حیوانات اسطوره ای با نقش عقاب دو سر		حیوانات اسطوره ای با نقش عقاب دو سر			عقاب دو سر بعنوان نشان مخصوص در دوره بیزانس و همچنین در اندیشه ها و اسطوره های ایرانی پیش از اسلام وجود داشته و به کار بردن چنین تصاویری نشان دهنده ادامه یافتن این تفکرات پس از ظهور اسلام است.
			آینه ارتشاه با نقش عقاب دوسر، بین النهرین، سده ۶ ه.ق (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۸۳)	بافته ابریشمی با طرح عقاب دوسر، مربوط به زمان کنستانتین، سده ۱۲ م، گالری فریر	
نقوش هندسی		نقوش هندسی			نقوش هندسی در تزئین کف پوشهای کاخها اسلامی و موزاییکها بیزانسی بیشترین کاربرد را دارد.
			تخته چوبی با نقوش هندسی و گیاهی-دوره عباسی، تکریت عراق، سده ۳ / ۹ ه.ق (بورکهارت، ۱۳۶۵، ۵۷)	ترکیب نقوش هندسی و گیاهی در موزاییک معبد حط مریم، بیزانس، ۷۶۷ م (Talbot rice, 1997)	

جدول شماره ۳. مقایسه نقوش و مضامین حیوانی و هندسی به کار رفته در هنر قرون اولیه اسلام و بیزانس (نگارندگان، ۱۳۹۷)

موضوع	نقش	بیزانس	قرون اولیه اسلام	وجوه اشتراک
انسانی	مضمون			دور سر حضرت مسیح دارای هاله نور و علامت صلیب نشان داده شده است. نگاه حضرت به روبرو می‌باشد. سبک ریش، موهای سر و چشمها از نظر ساختاری کاملاً شبیه به هم می‌باشند.
	حضرت مسیح (ع)	کاسه نقاشی لعابی تک رنگ با تصویر مسیح، مصر، ۱۱م (قیطاسی، ۱۳۸۹، ۸۸)	شمایل حضرت مسیح (ع) با هاله سر و علامت صلیب (Bank, 1977, 181)	
	حضرت مریم (ع)			تصویرسازی با مضامین مسیحی، مریم (س) نشسته بر تخت. در این نقوش حضرت مریم با کودکی در آغوش و فرشتگانی در اطراف نشان داده شده است.
	حضرت	نقاشی بر روی تخته چوبی، پاکه نشسته بر تخت سلطنت و کودک (rice, 1997)	نقاشی بروی گچ حضرت مریم نشسته بر تخت (rice, 1997, 173)	
	شکار			نقش شاه در حال شکار با حیوانات از مهمترین مضامین مورد استفاده در آثار هنری بیزانسی به ویژه منسوجات بود، که در روم شرقی بیش از سایر نقوش مورد استفاده قرار گرفته‌اند. (گدار، ۱۳۷۷: ۲۹۹)
وقایع نگاری	شکار	جعبه کنده کاری، فرمانروای سواره در حال شکار (Cormack, 2008, 125)	تصاویر مربوط به شکار در دیوارنگاره اموی، قصر الحیر غربی (جنسن، ۱۳۸۸، ۲۷۸)	
	وقایع نگاری			استفاده از هاله دور سر در واقع ادامه سنت مانوی است که در مسیحیت رواج یافته و بعدها و در اوایل دوره اسلامی در تصویرسازی اسلامی به کار می‌رود.
وقایع نگاری	تصویر مینیاتوری مربوط به، نسخه خطی سریانی، واتیکان، بیزانس، سده ۱۲م (Talbot rice, 1997, 45)	هاله دور سر به تقلید از هنر بیزانس، مقامات حریری، دوره مملوکات، موزه بریتانیا، لندن (Talbot rice, 1997, 45)		
	شمایل های بیزانسی با نقوش هندسی و علامت صلیب روی لباس (Cormack, 2008, 84)			نقوش مشترک به صورت تزیینات هندسی روی لباس، نحوه ایستادن، و علامت صلیب می‌باشد.
وقایع نگاری	شمایل های بیزانسی با نقوش هندسی و علامت صلیب روی لباس (Cormack, 2008, 84)			
	نقاشی دیواری شش پادشاه، قصر عمره، اموی (Reichmuth, 1951, 46)			

نتیجه گیری

هنر اوایل شکل‌گیری اسلامی ترکیبی است هنرهای شهرهایی که تحت سلطه اسلام قرار گرفتند، اسلام بین هنرهای این مختلف مختلف هماهنگی ایجاد نمود و آنها را در قالبی قرار داد که سازگاری واحدی داشتند. هنرمندان قرون اولیه اسلام تنها به اقتباس نمودن از هنر بیزانس اکتفا نکردند، بلکه در بعضی از آنها تغییراتی دادند و به آنها چیزهایی افزودند. به همین هنر مسیحی به دلیل فقدان روح معنوی و لاهوتی در پیشینه فرهنگ هلنی خود در حیطه محتوا تحت تأثیر هنر مسلمانان قرار گرفت و در جهت مقابل نیز مسلمانان به دلیل نداشتن فرم و صورت‌های مادی از هنر تمدن‌های مختلف استفاده کردند و تفکرات و اعتقادات دینی خود را به آن وارد نموده و به عنوان زینت بخش دین یا محتوای معنوی خود بهره بردند. لذا با مطالعه زمینه‌های متعدد تعاملات هنری در دوره‌های مختلف اسلامی در خصوص اثرگذاری هنر بیزانسی بر هنر اسلامی، می‌توان به این نتیجه رسید که:

- ۱) نسبت و میزان این تأثیرات در دوره نخست (دوره امویان) بیشتر از دوره‌های متأخر است.
- ۲) اینکه بیشتر این تأثیرات در حوزه معماری است، غالباً بعلمت فراوانی اینگونه آثار و همچنین نقش عواملی نظیر نیروی انسانی، نحوه استفاده از مصالح و نیز تکنیک‌هایی که ریشه در فرهنگ و هنر غرب و بویژه بیزانس داشته اند، بوده است.
- ۳) چگونگی تأثیر در بناهای مذهبی متفاوت از آن چیزی است که در بناهای غیر مذهبی دیده می‌شود.
- ۴) در زمینه هنرهای مختلف تأثیر و تأثرات به صورت استفاده از نقوش و مضامین گیاهی، مذهبی، واقعه نگاری، شکار و هندسی بیشترین اهمیت را داشته است.
- ۵) تأثیرات در حوزه نقاشی بیشتر در استفاده از نقوش جانداران زنده بوده که به علت تحریم نقاشی در اماکن مذهبی، در بناهای غیر مذهبی آشکارا قابل بررسی است. همچنین نقش عامل جغرافیا در میزان تأثیرگذاری بر همه چیز غالب است. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان دلایل تأثیرپذیری هنر قرون اولیه اسلامی از هنر بیزانس را، وجود راه‌های تجاری و بازرگانی فی مابین اعراب و دولت بیزانس، جهت انتقال هنرمندان، صنایع و فنون و انتقال، نقش مایه‌ها و تکنیک‌های تزئین به عنوان منبع الهامی برای هنرمندان مسلمان، به کار گماشتن هنرمندان بیزانسی ساکن در شهرهایی که بعدها به دست مسلمانان فتح گردید، مثل شهر انطاکیه سوریه. و تبدیل بناهای مذهبی مسیحیان به مسجد دمشق و تأثیرپذیری از تزئینات و تصویرسازی آن عنوان نمود.

پی نوشت:

1-Gaston Vayh

۲-بنای قبه الصخره قدیمی ترین شاهکار هنرو معماری اسلامی است. با توجه به اینکه این بنا درصدر اسلام در دوره امویان ساخته شده است در واقع می توان گفت تلفیقی از هنر و معماری سرزمین های فتح شده درصدر اسلام همچون سرزمین های بیزانس و ایران است که با توجه به قرار گیری آن در فلسطین امروزی، که جزو قلمرو حکومت بیزانس بوده است تأثیرات هنر و معماری بیزانس بیشتر به چشم می خورد.

۳-پنجمین خلیفه از خلفای امویان است (۲۶ق/۶۴۶م-۸۶ق/۷۰۵م). ساخت قبه الصخره در زمان وی اتفاق افتاد.

4-Dalton

5-Diehl

6-Alexander Hamilton Gibb Rvskyn

همیلتون الکساندر روسکین گیب (۱۹۷۵-۱۸۹۵م) از اسلام شناسان بزرگ غربی است. وی از پدر و مادری اسکاتلندی که در مصر سکونت داشتند به دنیا آمد. او تا پایان عمر به تحقیق و مطالعه درباره ادبیات عرب، تاریخ و تمدن اسلامی و اسلام شناسی پرداخت. سید حسین نصر وی را در کنار بزرگانی همچون هانری کربن و آنماری شیمیل قرار می دهد.

7- Hlyln brand

8- Pedanius Dioscorides

پزشک، داروساز و گیاه شناس یونانی در حدود ۴۰ تا ۹۰ پس از میلاد

9- Titus Burckhardt

پژوهشگر در زمینه هنر، معماری و تمدن اسلامی بود. وی در سال ۱۹۰۸م در فلورانس ایتالیا متولد شد و در سال ۱۹۰۴ در سوئیس درگذشت.

منابع و مآخذ

- اتینگهاوزن، ریچارد و الگ گرابار. ۱۳۸۳. هنر و معماری اسلامی. ترجمه یعقوب آژند، جلد ۱، تهران: سمت.
- اکبری، تیمور و پوریا کاشانی. ۱۳۸۸. تاریخ هنر نقاشی و مینیاتور در ایران (برای دانشجویان رشته‌های باستانشناسی و هنر). تهران: نشر سبحان نور.
- آیت‌اللهی، حبیب‌الله و طیب بهشتی. ۱۳۹۰. بررسی سبک شناختی هنر شمایل نگاری بیزانس. نشریه هنرهای زیبا، (۴۹) ۳۹-۴۸.
- بانی مسعود، امیر. ۱۳۴۶. تاریخ معماری غرب. اصفهان: نشر خاک.
- بلخاری قهی، حسن. ۱۳۹۵. نظریه تجلی؛ در شرح شمایل گریزی هنر اسلامی و شمایل گرایی مسیحیت و هندوئیسم. نشریه هنرهای زیبا. دوره ۲۱ (۱)، ۸-۱.
- بورکهارت، تیتوس. ۱۳۶۵. هنر اسلامی زبان و بیان. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: سروش.
- بورکهارت، تیتوس. ۱۳۷۶. هنر مقدس. ترجمه ستاری جلال. تهران: سروش.
- بهرامی، امیر و کریم حاجی‌زاده باستانی. ۱۳۹۳. جلوه شکارگاه‌های ساسانی در آرایش کاخ‌های اموی با مقایسه موردی تاق بستان کرمانشاه و کاخ قصیر عمره. نشریه علمی پژوهشی پژوهشهای باستان شناسی ایران. دوره ۵ (۸)، ۱۱۹-۱۳۸.
- البهنسی، عفیف. ۱۳۸۵. هنر اسلامی. ترجمه محمود پور آغاسی. تهران: انتشارات سوره مهر.
- پاکباز، روئین. ۱۳۸۶. دایره المعارف هنر. تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- پرایس، کریستین. ۱۳۶۴. تاریخ هنر اسلامی. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: نشر علمی فرهنگی.
- تاج‌دینی، علی. ۱۳۷۲. مبانی هنر معنوی. تهران: دفتر مطالعات هنر دینی.
- تولایی خوانساری، حسین. ۱۳۸۸. تأثیر هنر معماری بیزانس و ساسانی بر معماری دوره اموی. کتاب ماه هنر. (۱۳۸)، ۸۶-۹۵.
- توین بی، آرنولد. ۱۳۹۴. تاریخ تمدن از آغاز تا عصر حاضر. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر مولی.
- جنسن، ه.و. ۱۳۵۹. تاریخ هنر. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- دهقانی، زهرا و حسین مهر پویا. ۱۳۹۱. بررسی تطبیقی نقوش متقارن در هنر ساسانی و تأثیر آن بر هنر بیزانس. نشریه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد نقشمایه. سال ۵، (۱۰)، ۵۷-۶۶.
- رایس، دیوید تالبوت. ۱۳۸۳. هنر بیزانس. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: قطره.
- رید، هربرت. ۱۳۸۱. معنی هنر. ترجمه نجف دریابندری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شایسته‌فر، مهناز؛ خزائی، محمد و رضوان خزایی. ۱۳۹۱. بررسی ویژگیهای تصویری و مضمونی نسخه‌های خطی مصور دوره ایوبیان. نشریه علمی پژوهشی نگره. (۲۳)، ۵۳-۶۹.
- ضابطی جهرمی، احمد. ۱۳۸۹. پژوهش‌هایی در شناخت هنر ایران. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- طاهری، علیرضا. ۱۳۹۲. نقوش "حیوان-گیاه" در هنر ساسانی و تأثیر آن بر هنر اسلامی و هنر رومی وار ساسانی. نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا. دوره ۱۸ (۲)، ۴۳-۵۲.
- عارفی، هادی. ۱۳۷۴. بررسی نقوش (گیاهی) در هنرهای اسلامی. پایان نامه ارشد گرافیک، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- فدوی، سید محمد. ۱۳۸۳. سیر تحول هنر تصویرسازی در تاریخ. رساله دکترا. پژوهش هنر: دانشگاه تهران.
- فدوی، سید محمد. ۱۳۸۸. هنر تصویرسازی در قرون اولیه اسلام. نشریه علمی پژوهشی باغ نظر. (۵)، ۷۱-۸۰.
- کالا ماکیس، دینوسیوس. ۱۳۸۵. معبر زیبایی شناسی هنر بیزانس بین شرق و غرب. فصلنامه هنر. (۷۰)، ۲۴۶-۲۵۱.
- کونل، ارنست. ۱۳۵۵. هنر اسلامی. ترجمه هوشنگ طاهری. تهران: توس.
- گاردنر، هلن. ۱۳۹۲. هنر در گذر زمان. ترجمه محمد تقی فرامرزی. تهران: نشر نگاه.
- گذار، آندره. ۱۳۷۷. هنر ایران. ترجمه بهروز حبیبی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- گرابار، الگ. ۱۳۷۹. شکل گیری هنر اسلامی. ترجمه مهرداد وحدتی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- لبون، گوستاو. ۱۳۱۳. تمدن اسلام و عرب، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی. تهران: وزارت فرهنگ.
- مددپور، محمد. ۱۳۷۴. تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مرزبان، پرویز. ۱۳۶۷. خلاصه تاریخ هنر، چاپ دوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- موسوی گیلانی، سید رضی. ۱۳۸۷. به نقل از مسائلی در تاریخ معماری اسلامی آندره گذار ص ۳۴۸ و ۳۵. «تاریخ هنر اسلامی از نگاه آندره گذار»، وبگاه بنیاد فرهنگی هنری فیروزه، ۱۴ شهریور.
- ناصحی، ابوذر. ۱۳۸۵. بررسی تأثیر متقابل تصویرسازی صدر اسلام و بیزانس. پایان نامه ارشد تصویرسازی، تهران: دانشگاه تهران.
- نامجو، عباس و سید مهدی فروزانی. ۱۳۹۲. مطالعه نمادشناسانه و تطبیقی عناصر نقوش منسوجات ساسانی و صفوی، فصلنامه هنر و علم و فرهنگ، (۱)، ۴۲-۲۱.
- نصر، سیدحسین. ۱۳۷۵. هنر و معنویت اسلامی. ترجمه رحیم قاسمیان. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- نوروزی طلب، علیرضا. ۱۳۸۴. بنیانهایی برای شناخت و تفسیر هنر بیزانس، نشریه پژوهشی باغ نظر، دوره ۲ (۴)، ۷۲-۸۳.
- وایه، گاستون. ۱۳۶۳. هنر اسلام در سده های نخستین. تهران: رحمان ساروجی.
- هاتستین، مارکوس و دیگران. ۱۳۸۹. معماری اسلامی. ترجمه اکرم قیطاسی. تهران: نشر سوره مهر.
- هوگ، جان و هانری مارتن. ۱۳۷۵. سبک شناسی معماری در سرزمینهای اسلامی. ترجمه پرویز ورجاوند. تهران: نشر علمی فرهنگی.
- Bank Alice. (1997). Byzantine Art. Leningrad: Aurora Art Publishers.
 - Bloom, M. Jonatan. (2002). Early Islamic Art And Architecture. British: Ashgate.
 - Cormack, Robin. (2008). Byzantium. London: Royal Academy Of Arts.
 - Durand, Jannic. (1999). Byzantine Art. Paris: Terrail.
 - Grabar, Oleg. (1996). The shape of the holy. New Jersey: university Princeton.
 - Ghirshman, R. (1962). Iran: Parthians & Sassanians. London.
 - Hillenberend Robert. (1999). Islamic Art and Architecture. London: Thames and Hudson.
 - Reichmuth, Stefan. (1953). Die Welt des Islams. International Journal for the Study of Modern Islam. Edited by.
 - Cormack, Robin. (2000). Byzantine Art (Oxford History of Art). Oxford University Press: USA.
 - Talbot rice, David. (1997) Art of The Byzantine Era. Thames And Hudson. London:
 - Davies, Penelope J.E. Denny, Walter B. Hofrichter, Frima Fox. Jacobs. Joseph. Roberts. Ann M.